

پرده نقره‌ای

فراخوان سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر منتشر شد



دبیر خانه جشنواره جهانی فیلم فجر فراخوان سی و هشتمین دوره این رویداد سینمایی را منتشر کرد که بر این اساس جشنواره سال ۹۹ از ۲۸ فروردین در تهران آغاز به کار می‌کند.

به گزارش ایلنا، سی و هشتمین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر از ۲۸ فروردین تا ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ به دبیری محمدمهدی عسگرپور در تهران برگزار می‌شود.

شروع ثبت نام فیلم‌های متقاضی شرکت در این رویداد سینمایی در سایت جشنواره ۱۶ نوامبر ۲۰۱۹ مصادف با ۲۵ آبان ماه ۹۸ است و اول اسفندماه ۹۸ مهلت ثبت نام در سایت به پایان می‌رسد. همچنین صاحبان آثار تا روز پنجم اسفندماه مهلت دارند تا فیلم خود را به دفتر جشنواره تحویل دهند. این رقابت سینمایی در بخش‌های اصلی و جانبی برگزار می‌شود که بخش‌های رقابتی آن شامل سینمای سعادت (مسابقه بین الملل) و جلوه‌گاه شرق (سینمای کشورهای آسیایی و اسلامی) است. تاریخ تکمیل تولید فیلم‌ها برای بخش‌های رقابتی باید سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ باشد. متن کامل فراخوان و شرایط شرکت در سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر در سایت جشنواره به نشانی www.fajriff.com/fa در دسترس است.

«جوکر»؛ پرنده قورباغه طلایی جشنواره «کمر ایچ»



بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «کمر ایچ» لهستان که مهم‌ترین رویداد سینمایی جهان در عرصه هنر فیلمبرداری است جایزه اول خود را به فیلم «جوکر» ساخته «تاد فلیپس» داد. به گزارش ایسنا به نقل از هالیوود ریپورتر، در بخش رقابتی اصلی جشنواره «کمر ایچ» فیلم «جوکر» با فیلمبرداری «تورنس شر» توانست جایزه اصلی قورباغه طلایی این رویداد سینمایی را به خود اختصاص دهد. مستند «خانه‌ای برای تو» به کارگردانی مهدی بخشی مقدم و فیلمبرداری محمد حدادی در بخش رقابتی آثار مستند و فیلم «رونا، مادر عظیم» (محصول مشترک ایران و افغانستان) به کارگردانی جمشید محمودی و فیلمبرداری کوهیار کلاری نیز در بخش «سینمای معاصر جهان» به نمایندگی از سینمای ایران در جشنواره کمر ایچ حضور داشتند. بیست و هفتمین جشنواره فیلم «کمر ایچ» که مهم‌ترین رویداد سینمایی جهان باتمیز هنر فیلمبرداری است ۹ تا ۱۶ نوامبر (۱۸ تا ۲۵ آبان) در لهستان برگزار شد.

رقابت شش مستند ایرانی در سیدنی

شش اثر در بخش مستند هشتمین جشنواره جهانی فیلم پاریس استرالیا برای دریافت جایزه به رقابت می‌کنند. مستند سینمایی در جستجوی فریده (آزاده موسوی و کورش عطایی) نماینده ایران در اسکار، فریاد رو به باد (سیاوش جمالی، عطا مهراد)، مثل اسمم پگاه (سودابه بیضایی)، خرامان (آرش اسحاقی)، دلبند (یاسر طالیبی) و دیدن و بودن (علی شیلاندی) در این دوره برای کسب تندیس غزال طلایی رقابت می‌کنند. مهرداد اسکویی فیلم‌نامه این بخش را انتخاب کرده است. هشتمین جشنواره جهانی فیلم پاریس از ۱۲ تا ۱۷ آذرماه امسال بادیبری امین پلنگی در سینما پالاس سیدنی و در سه بخش رقابتی فیلم بلند داستانی، کوتاه و مستند برگزار می‌شود.



با اینکه «سمفونی نهم» از جهاتی می‌تواند یک فیلم مفهومی و قابل تفسیر و تأویل باشد، ولی به هیچ وجه نباید آن را جدی گرفت. چون اساساً فکر به تصویر کشیدن ملک الموت و تجسم او در قالب یک فیلم سینمایی، لااقل برای من که سازنده فیلم هستم آنقدرها جدی نیست

جدال این میدان، تصور من این است که هنوز پیروز مطلق نیست.

چرا دیگر در صداوسیما سریال نمی‌سازید؟ آیا صداوسیما هم گرفتار همین مسأله‌های که سینما با آن درگیر است، شده و آیا دیگر علاقه‌ای به ساخت سریال‌هایی همچون کاکتوس و لبه تیغ در بین مدیران صداوسیما وجود ندارد؟

صداوسیما در قالب سرگرمی‌های جذاب و قابل رقابت با تولیدات جهانی، باید نقش تعیین کننده‌ای در تربیت و ارتقای سطح فرهنگی جامعه داشته باشد ولی با تاسف باید بگویم که در حال حاضر به دلیل نبود یک استراتژی منسجم، هدفمند و همه‌گیر طی سال‌ها و دهه‌های سپری شده، صداوسیما دیگر به سختی می‌تواند نقش واقعی و خطیر خودش را در میان تمامی اقشار یک جامعه متکثر ایفا کند. اینکه چرا من دیگر سریال‌هایی مثل کاکتوس و زیر تیغ را نمی‌سازم، دلایل مختلفی دارد. اتفاقاً مدیران و مسئولان محترم شبکه دو به تازگی جلسات و تماس‌هایی هم برای ساخت مجدد سریال کاکتوس داشتند که متأسفانه به دلیل فوت ناگهانی تهیه‌کننده سریال، مرحوم سید کمال طباطبایی در آستانه شروع کار و پراکندگی عمومی باز یگران آن مجموعه بعد از سال‌ها طولانی، با مشکلات جدی روبرو شد و در حال حاضر مسکوت مانده است تا ببینیم چه می‌شود.

امیر کبیر، کوروش و رابعه بلخی در زمان مرگ خود این آگاهی را داشتند که مرگ آنها چه تأثیری بر جامعه و آینده کشور می‌گذارد؟

من علم غیب ندارم، یاد ذهن و فکر این شخصیت‌ها نبودم. از آگاهی ذهنی‌شان در زمان حیات و مرگشان چه خبری می‌توانم داشته باشم؟ مگر من ملک الموت بودم؟! آنها در زمان حیاتشان آن گونه زندگی کردند که شایسته آن بودند. حتماً از آینده هم خبر نداشتند چون احتمالاً پیشگویی نمی‌دانستند.

شما برای ۱۷ سال فیلم نساختید اما سینما را پیگیری کردید. گروهی معتقدند روند سینما در سال‌های اخیر به سمتی حرکت کرده که فقط سرگرمی شده و اندیشه در سینما از بین رفته است. آیا این کار عمدی است و دلیل آن چیست؟

اول اجازه بدهید تردید خودم را درباره درست بودن این تقسیم‌بندی در چند کلمه بگویم. وقتی می‌گویم سینمای سرگرمی و سینمای اندیشه‌به‌نظم عنوان درستی برای هر دو انتخاب نکرده‌ایم. اینطور به نظر می‌رسد که ما یکسری فیلم‌هایی داریم که مخاطب را در سینما سرگرم می‌کند و در مقابل فیلم‌هایی هم داریم که برای تماشاگرانش اندیشه تجویز می‌کند. چیزی شبیه کلاس درس، در حالی که اینطور نیست. هر دو هم‌راه با سرگرمی هستند. به تعریف من، فیلم‌هایی هستند که فقط و فقط وقت شمارا پرمی‌کنند و تمام در مقابل فیلم‌هایی هم هستند که وقت شمارا پرمی‌کنند و در ضمن لذتی ماندگار به شما می‌دهند.

من با آن گروهی که معتقدند سینما در این سال‌ها بیشتر به سمت سرگرمی صرف رفته، موافقم اما باور ندارم که اندیشه در سینما از بین رفته باشد. چرخش مسیر سینما به سمت سرگرمی صرف نه تنها در سینمای کشور ما بلکه در سینمای جهان رخ داده است. این یک کشمکش جدی بین دو طرز تلقی از سینماست که سال‌های سال است همچنان ادامه دارد. حتماً از جنجالی که با محوریت همین موضوع در میان سینماگران صاحب اندیشه و کمپانی‌های صرفاً سرگرمی‌ساز، به تازگی در صدر خبرهای فرهنگی بود، اطلاع دارید. در

وضعیت بهتر بود بطور مثال سکانس مرگ امیر کبیر که بهرغم هشدارهای ملک الموت باز هم به حمام می‌رود؟ در این میان این پرسش مطرح می‌شود که خود ما چقدر در پذیرش مرگ مقصریم و خودمان را به دست قضا و قدر می‌دهیم؟

فیلم سمفونی نهم احسنی طنز گونه دارد البته نه از نوع طنزهای رایج. کم و بیش همان تجربیات خودم در کارهای طنزی است که قبلاً ساخته‌ام و شاخص‌ترین آنها در مجموعه تلویزیونی کاکتوس بود. برای لایه‌های طنز، در فیلم سمفونی نهم به دلیل حساسیت موضوع و شخصیت‌های برجسته‌ای که در این فیلم به تصویر کشیده شده‌اند، باید کمی تعمق و تأمل کرد. به گفتار متن و گفتگوها باید توجه بیشتری کرد تا لایه‌های طنز آن بهتر درک شود. در مورد مثالی که گفتید یعنی قتل یا بهتر و واضح‌تر بگویم ترور امیر کبیر به مدیریت و رهبری کلنل شیل، نماینده دولت به اصطلاح فخریمه بریتانیا!

وقتی این اتفاق شوم در آستانه انجام است، درخواست ملک الموت برای منصرف کردن امیر کبیر از رفتن به حمام فین و چه طنز و در عین حال اشاره به علاقه و دلبستگی ملک الموت به شخصیت بزرگی چون امیر کبیر دارد. این صحنه را به غیر از قالب طنز اگر ببینید، یعنی همانگونه که بعضی از منتقدان عزیز و محترم بر نامه هفت دیده‌بودند، مسخره و احمقانه به نظر می‌رسد. پرواضح است که اگر این دسیسه شوم توسط خائنین داخلی با هدایت و حمایت عوامل خارجی رخ نمی‌داد همانگونه که ملک الموت هم ابراز احساسات می‌کنند می‌گوید، سرنوشت ملت ایران به گونه دیگری رقم می‌خورد و کشور ما امروز جایگاه دیگری در جهان داشت. به گمان من، با اینکه فیلم سمفونی نهم از جهاتی می‌تواند یک فیلم مفهومی و قابل تفسیر و تأویل باشد، ولی به هیچ وجه نباید آن را جدی گرفت. چون اساساً فکر به تصویر کشیدن ملک الموت و تجسم او در قالب یک فیلم سینمایی، لااقل برای من که سازنده فیلم هستم آنقدرها جدی نیست و همه حرف و سخن و پیام و اشارات فیلم هم باید در یک فضای فانتزی قابل فهم باشد. درست همانگونه که در مجموعه‌های کاکتوس بود.

آیا آثار مشهور تاریخ همچون



موقت تماشاگر باعث عصیانیت و ایجاد احساس فریب‌خوردگی در او می‌شود. من نه روشن‌فکر هستم، نه جامعه‌شناس ولی باورم به عنوان یک ایرانی این است که ملت ایران در این شرایط دشوار احساس بی‌هویتی عجیبی می‌کند. نسل جوان ما گذشته تاریخی و فرهنگی خود به کلی بریده و منقطع شده است. به نظر من ملتی را که احساس بی‌هویتی می‌کند، می‌شود به آسانی تحقیر و تحریم کرد. من به سهم اندک خودم تلاش کرده‌ام تا در فیلم سمفونی نهم به گذشته تاریخی مان

ارجاعات مختصری بدهم. در عین حال فیلم تاریخی هم نساختم. تلاش من و همکاران این بود که برای نسل امروز بگویم ما بیست حکومت‌های مختلف در این کشور داشته‌ایم و سواد استفاده از ملت بزرگ ایران در سال‌های بعد از انقلاب گرفتاری‌های زیادی داشته است. از جنگ تا تحریم. از انواع و اقسام فشارهای خارجی تا ناکارآمدی برخی مدیران و مسئولان فاسد داخلی. از سرخوردگی‌های سیاسی تا افراط‌گرایی‌های اعتقادی. از دروغ‌پردازی و تحریف‌های شایعه‌روزی رسانه‌های خارجی تا بی‌عرضگی برخی رسانه‌های خاص و...

همه این‌ها در کنار ده‌ها عامل بزرگ و کوچک دیگر باعث وضعیت فعلی در جامعه شده است که می‌شود آنها را به بهانه دو ساعتی تفریح و خنداندن به سینماها کشید، ولی فراموش نکنیم که این کار جرمی کمتر از اختلاس کردن نیست.

فیلم به مسئله مرگ و نقش آن در روند تاریخ می‌پردازد و اینکه اگر برخی شخصیت‌ها بر اساس آنچه فیلم نشان می‌دهد، نمی‌مردند،

کمدی هستند و شما نیز توانایی ساخت فیلم کمدی را دارید، به این سمت نرفتی؟

در سال‌های اخیر سینمای ما به سمت فیلم‌های به اصطلاح کمدی گرایش افراط‌گونه‌ای پیدا کرده است. بهتر است بگویم سینمای ما به سمت پول و درآمد هر چه بیشتر، گرایش افراط‌گونه‌ای پیدا کرده است. هر چند فیلم‌های کمدی خوبی هم در این میان ساخته شده که از نظر من آنها استثنا هستند و لازمه تولیدات سینمایی اند. سوء تفاهم نشود، اشاره و منظور من همه فیلم‌های کمدی نیست بلکه منظورم فیلم‌هایی است که عنوان تقلبی کمدی را یدک می‌کشند و روشن است که قصد سازندگان این گونه فیلم‌ها، نه سینمای کمدی بلکه سوداگری و سوء استفاده از شرایط حاکم بر روح و روان جامعه است.

ملت بزرگ ایران در سال‌های بعد از انقلاب گرفتاری‌های زیادی داشته است. از جنگ تا تحریم. از انواع و اقسام فشارهای خارجی تا ناکارآمدی برخی مدیران و مسئولان فاسد داخلی. از سرخوردگی‌های سیاسی تا افراط‌گرایی‌های اعتقادی. از دروغ‌پردازی و تحریف‌های شایعه‌روزی رسانه‌های خارجی تا بی‌عرضگی برخی رسانه‌های خاص و...

شما آثار کمدی خوبی ساخته‌اید که در زمان خودش از فروش خوبی برخوردار بود و از سوی دیگر آثار قابل قبولی هم بود چرا امروز که سینماها به دنبال فیلم‌های

محمدرضا هنرمند بعد از ۱۷ سال دوری از سینما، فیلم سینمایی «سمفونی نهم» را کارگردانی کرده است. نکته مهم درباره این فیلم آنکه هنرمند پیش از این آثار طنز و کمدی در سینما و تلویزیون ساخته بود، ولی امروز که بیشتر فیلم‌های در حال اکران، کمدی هستند، او به سمت ساخت یک فیلم جدی حرکت کرده است. خبرنگار ایلنا به مناسبت اکران این فیلم با هنرمند گفتگو کرده است که می‌خوانید.

شما بعد از ۱۷ سال سراغ ساخت سمفونی نهم رفتید. تماشاگران همه می‌گویند هنرمند به فیلم «مرگ دیگری» بازگشته است و به نوعی در ادامه آن فیلمی با جزییات بیشتر ساخته است؟

فیلم سمفونی نهم به هیچ وجه درباره مرگ نیست بلکه درباره زندگی شخصیت‌هایی است که هر کدام به نوعی در سرنوشت و زندگی امروز ما تأثیرگذار بوده‌اند. البته همه منتقدانی که فیلم را دیده‌اند و درباره آن مطلبی، چه در موافقت و چه در مخالفت گفته یا نوشته‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم. من از همه آنها آموختم. شاید لازم باشد در همین فرصت از منتقدان و تماشاگرانی که فیلم ناقص و کامل نشده سمفونی نهم را در جشنواره دیده‌اند ضمن پوزش، سپاسگزاری دوباره‌ای هم داشته باشم.

شما آثار کمدی خوبی ساخته‌اید که در زمان خودش از فروش خوبی برخوردار بود و از سوی دیگر آثار قابل قبولی هم بود چرا امروز که سینماها به دنبال فیلم‌های

طی رویداد مستندسازی بحران، چهار مستند «سایه‌های روشن»، «شبیبه‌سازی آقای زرد»، «حلب: سکوت جنگ» و «فقدان» نمایش داده شد. به گزارش ایلنا، طی رویداد مستندسازی بحران، چهار مستند «سایه‌های روشن»، «شبیبه‌سازی آقای زرد»، «ساخته حسین نشاطی»، «شبیبه‌سازی آقای زرد»، «ساخته خمای پور»، «حلب: سکوت جنگ»، «ساخته امیراصلو» و «فقدان» ساخته فاطمه ذوالفقاری که همه محصول کمان مدیا به مدیریت زکریا زگانی هستند در خانه وارطان نمایش داده شد.

در این آثار به جنبه‌های مختلف مستندسازی در بحران اشاره شده است. سه مستند «سایه‌های روشن»، «شبیبه‌سازی آقای زرد» و «حلب: سکوت جنگ» با محوریت حمله داعش به حلب و «فقدان» که روایت خانوادگی در زلزله سربل ذهاب است، به عنوان نمونه‌هایی از مستندسازی در بحران در خانه گفت‌مان شهر وارطان) در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت. در این اکران خصوصی چهره‌هایی نظیر گلی امامی، هنگامه

مستندسازی بحران، ترمی تازه در سینمای مستند

گلستان، روبرت صافاریان، جهانبخش نورایی، احمد طالیبی نژاد، شهرام مکرری، نسیم احمدپور، شادی قدیریان، فائزه عزیزخانی، سحر عصر آزاد، کبوتر ارشدی، رنوفه رستمی، رامین مستقیم، ساسان گلر و... حضور داشتند. ماهان خمایی پور درباره تجربه مستندسازی در بحران گفت: من از تهران ماجرای آقای زرد را شنیده بودم و با امیدواری کمی از این که او را پیدا کنم راهی حلب شدم. اما در نهایت او را یافتیم و هر کس درباره او چیزی می‌گفت، من امارایت خودم را از آقای زرد ساختم. اسم فیلم را هم گذاشتم «شبیبه‌سازی آقای زرد» تا بر اساس نظریه بودپار، حقیقت آقای زرد را شبیه‌سازی کرده باشم. امیراصلو هم از تجربه ساخت «حلب: سکوت جنگ» چنین گفت: آن چه مرا در مواجهه با حلب پس از جنگ حیرت زده کرده بود، ویرانی‌ای بود که جنگ بر جا گذاشته بود و در این مستند تلاش کردم تا آن ویرانی مهیب را باز نمایم. در این قسمت از برنامه، گلی امامی نقدی به مستند امیراصلو وارد کرد و گفت: مستند شما بیش از آن که فیلم مستند باشد، قالب عکس‌هایی است بی هیچ توضیحی. گرچه برخی آن را روایت شاعرانه از جنگ توصیف کردند ولی باید دید ۷۰ سال

بعد چه چیزی از این مستند برای نسل‌های بعد می‌ماند. آیا لازم نیست یک فیلم مستند شناسنامه‌ای داشته باشد که آن را برای دوران‌های دیگری نیز قابل استفاده کند؟

امیراصلو، در دفاع از ساخته خویش خطاب به گلی امامی چنین گفت: تلاش من ثبت بی‌واسطه واقعیت و مواجهه عریانی تماشاگر با آن چیزی بود که از جنگ بر جا مانده، پس هر توضیح و تفسیری را برای آن اضافه می‌دیدم. سپس مستندهای «سایه‌های روشن» و «فقدان» به نمایش درآمدند. پس از نمایش فاطمه ذوالفقاری، کارگردان هادها، درباره فیلم‌هایشان سخن گفتند. فاطمه ذوالفقاری، کارگردان «فقدان» گفت: همیشه می‌خواستم ببینم آدم‌ها در مواجهه با گذشته و آن چه که دیگر تمام شده چه واکنشی دارند. وقتی سربل ذهاب زلزله آمد فرصت را مناسب دیدم تا دوربینم را بر درم و برم ببینم آدم‌ها با آواری که از گذشته بر جا مانده چه مواجهه‌ای دارند، این شد که مستند «فقدان» شکل گرفت. رامین مستقیم، خبرنگار لس آنجلس تایمز در تهران، به کارگردان «سایه‌های روشن» نقدی وارد کرد و گفت: موضعی که دوربین شما از خداد جنگ در



سوره ملت‌بهب که در آن اقوام مختلف با افکار و آرای مختلف حضور دارند اتخاذ کرده، بسیار یکسویه است و لازم بود تا شامی طرف تر روایت خود را از حضور داعش در حلب ارائه داده و وضعیت زنان سوری را در آن جایی طرف به تصویر بکشید. حسین نشاطی در دفاع از ساخته خود گفت: من تلاش کردم تا مشاهدات عینی خودم را بی‌واسطه با تماشاگر به اشتراک بگذارم.

مستند «حلب: سکوت جنگ»، مستند برگرزیده ایدفای ۲۰۱۸ و «فقدان» نماینده امسال سینمای مستند ایران در بخش استعدادهای درخشان ایدفا هستند. همچنین «شبیبه‌سازی آقای زرد پویش» مستند برگرزیده جشنواره بین‌المللی فیلم کلگری کاناداست.